



## توسعه کشاورزی دانش بنیان در راستای اقتصاد مقاومتی

محسن محمدی خیاره<sup>۱</sup>

### چکیده

هدف از توسعه و رشد بخش کشاورزی منطبق با رویکردهای اقتصاد مقاومتی، تقویت تولید ملی، اشتغال و تامین امنیت غذایی کشور است. عبور از اقتصاد وابسته به منابع اولیه و متکی بر فروش مواد خام و کم فرآوری شده، تنها از مسیر اقتصاد نوآور و تولید دانش بنیان میسر است؛ به عبارت دیگر، راه جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی، از مسیر اقتصاد و تولید دانش بنیان می گذرد. اقتصاد مقاومتی برای جامعه و نظام یک فرصت بسیار تاریخی است که در مقاوم سازی بخش های مختلف اقتصادی کشور از جمله بخش کشاورزی، اقدامات عاجل و اصلاحات ساختاری صورت گیرد.

در این مقاله با رویکردی اسنادی و توصیفی با ارزیابی شاخص های کلان اقتصادی در بخش کشاورزی، پیشنهادهایی برای توسعه و رشد بخش کشاورزی در راستای توجه و دستیابی به اهداف چشم انداز و برنامه ششم توسعه و نیز اقدام و عمل در راستای اقتصاد مقاومتی ارائه شده است.

**واژگان کلیدی:** توسعه کشاورزی، کشاورزی دانش بنیان، اقتصاد مقاومتی

<sup>۱</sup> Email: m.mohamadi@ut.ac.ir

<sup>۱</sup> هیات علمی دانشگاه گنبد کاووس



دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران  
۱۱ اسفند ۱۳۹۵

## دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران یازدهم اسفندماه ۱۳۹۵



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
دانشگاه شهید باهنر

### ۱- مقدمه

کشاورزی در ایران بزرگترین بخش اقتصادی پس از بخش خدمات است که حدود ۲۶ درصد تولید ناخالص داخلی و ۲۶ درصد از صادرات غیر نفتی را به خود اختصاص می‌دهد، همچنین محل اشتغال ۲۳ درصد از شاغلان کل کشور است و بیش از ۸۰ درصد غذای کشور در این بخش تأمین می‌شود (بانک مرکزی، ۱۳۹۰). رابطه بین کشاورزی و رشد و توسعه اقتصادی از جمله موضوعاتی است که به وفور مورد بحث قرار گرفته است. معمولاً، سطح پایین بهره‌وری و رشد آهسته بخش کشاورزی به عنوان یکی از عوامل اصلی رشد اقتصادی پایین و سطح درآمدهای پایین در کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته می‌شود (آلستون و پاردی، ۲۰۱۴). تعجب آور نیست که شواهد زیادی مبنی بر یک رابطه مثبت بین افزایش در بهره‌وری کشاورزی و رشد اقتصادی وجود دارد (گولین، ۲۰۱۰؛ سلف و گرابوسکی، ۲۰۰۷). علاوه بر این، در گزارش‌های متعدد مربوط به توسعه کشورها، معمولاً بخش کشاورزی به عنوان یک ابزار بسیار مهم و یک بخش حیاتی برای ایجاد رشد اقتصادی و مبارزه با فقر پیشنهاد شده است. (بانک جهانی، ۱۹۸۱ و ۲۰۰۸).

تنگناهای اقتصادی و مالی در شرایط تحریم‌های ظالمانه هسته‌ای ضمن آشکار کردن نقاط ضعف و آسیب‌پذیر بخشهای مختلف اقتصادی، این واقعیت را آشکار کرد که حتی بخشی مانند کشاورزی که وابستگی کمتری به دنیای خارج داشته و درونزایی و وابستگی بالایی به شرایط داخلی کشور دارد، نیز در تنگناهای شدید دچار مشکل خواهد شد. مشکلات این بخش که در ابتدا با چالش واردات نهاده‌های دامی شروع شد، به تدریج به واردات کالاهای اساسی تسری یافت و مشکلات بانکی، واردات چنین کالاهایی را نیز تهدید کرد. در چنین فضایی رویکردهای اقتصادی کشور تغییر یافت و اقتصاد مقاومتی به محور اصلی برنامه‌ریزی اقتصادی بدل شد.

یکی از مولفه‌ها و ابعاد بسیار موثر در مقاوم سازی اقتصاد که در حقیقت بستر ساز اقتصاد مقاومتی است، امنیت غذایی می‌باشد. براین اساس می‌توان نقطه اتصال بخش کشاورزی و اقتصاد مقاومتی را اهمیت و ضرورت توجه به امنیت غذایی عنوان نمود. اقتصاد مقاومتی بر اساس بنیان‌های قوام بخشیدن به استفاده از منابع پایه در بخش کشاورزی تعریف می‌شود. لذا جایگاه بخش کشاورزی در اقتصاد مقاومتی دارای اهمیت قابل توجهی است. مسئله امنیت غذایی، در حوزه‌های سیاست، اقتصاد و اجتماعی، غذا به عنوان تأمین‌کننده مهمترین نیاز بشر و تولید غذا نیز به عنوان فعالیت اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای را در ایجاد اقتصاد مقاومتی دارد. بنابراین توسعه بخش کشاورزی یک رویکرد اساسی در اقتصاد مقاومتی است.

به دنبال بی‌توجهی و نادیده‌انگاشتن سیاست‌های کشاورزی از قبیل، تأمین مالی، تحقیق و توسعه، گسترش خدمات، نبود دسترسی به اعتبارات، مشکلات مربوط به در دسترس بودن زمین و زیرساخت مناسب، نیازهای بخش کشاورزی، بسیار زیاد است. از این‌رو، وقت آن است که سیاست‌گذاران کشور، به دقت روی مدل جدید کشاورزی که مردم‌محور و مبتنی بر دانش است، تفکر کنند. این شیوه تفکر جدید، مبتنی بر یک دیدگاه بلندمدت و یکپارچه برای رسیدن به امنیت مواد غذایی در کشور است. علاوه بر این، گسترش و ترویج نوآوری و دانش یک عنصر مهم در کشاورزی مدرن است. تکامل کشاورزی از کشاورزی سنتی به کشاورزی مدرن، موجب کاهش فشار بر جمعیت کشاورزی، افزایش بهره‌وری و میزان تولید در سطح، هدایت و به روزرسانی ساختار کشاورزی، افزایش زیرساخت‌های کشاورزی و نهایتاً تحقق کشاورزی اکولوژیکی و کشاورزی سبز و دانش‌بنیان می‌شود که این امر، عمدتاً بر دانش و تکنولوژی علوم استوار است و لزوم توجه هرچه بیشتر به توسعه کشاورزی دانش‌بنیان در ایران را ضروری می‌سازد.

<sup>۱</sup> Alston and Pardey

<sup>۲</sup> Gollin

<sup>۳</sup> Self and Grabowski

<sup>۴</sup> World Bank



## ۲- تولید دانش بنیان به جای تکیه بر ذخائر معدنی و طبیعی

بخش کشاورزی در ایران بدلیل موقعیت و نقش بسزایی که در اقتصاد از نظر تولید و اشتغال دارد و نیز بدلیل روابط پسین و پیشین زیاد با سایر بخش های اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است. افزایش روز افزون جمعیت کشور و نقش بخش کشاورزی در تامین امنیت غذایی، درجه کاربری نسبتا بالای بخش کشاورزی در مقایسه با بخش های صنعت و معدن و بنابراین توان اشتغال زایی، امکان کسب درآمد ارزی از طریق صادرات و همچنین صرفه جویی در مصارف ارزی در خصوص کاهش واردات محصولات کشاورزی، صادرات غیر نفتی و فراهم آوردن مواد اولیه و خام برای بخش صنعت سبب شده است تا رشد این بخش به یکی از اهداف اولیه و اساسی سیاست گذاران کشور تبدیل شود. بنابراین لزوم تحول و توسعه این بخش امری اجتناب ناپذیر است و در نتیجه توسعه بخش کشاورزی می تواند به عنوان یکی از عوامل اساسی در تحقق شکوفایی و اعتلای کشور و رسیدن به اهداف والای اقتصاد مقاومتی، مطرح شود.

امروزه نقش دانش در فرآیند توسعه کشاورزی اهمیت قابل توجهی یافته است. در حال حاضر، در بخش کشاورزی، دانش و اطلاعات همانند زمین، سرمایه و نیروی کار از عوامل اصلی تولید به حساب می آیند و بنابراین دسترسی کشاورزان به دانش روز در کشاورزی دارای نقشی اساسی در توسعه کشاورزی و روستایی ایفا می کند. آموزش و اطلاع رسانی به کشاورزان در خصوص استفاده درست و فنی از نهاده های تولید در کشاورزی باعث افزایش بهره وری تولید در واحد سطح و تحقق توسعه کشاورزی می شود (ریورا<sup>۶</sup>، ۲۰۰۶).

تحقق "کشاورزی دانش بنیان"<sup>۷</sup> در دوران گذار کشاورزی سنتی به کشاورزی مدرن صورت می گیرد. در این مرحله، از یک طرف توسعه اقتصاد کشاورزی مستلزم دانش علمی است. از طرف دیگر، زمینه علم و تکنولوژی کشاورزی هنوز نسبتا ضعیف است، از این رو، فرآیند ایجاد اقتصاد کشاورزی دانش بنیان را باید یک فرآیند بلندمدت دانست. از دیدگاه زیست محیطی کشاورزی، کشاورزی دانش بنیان یک کشاورزی سبز است و شکلی از اقتصاد کشاورزی با عملکرد بالاست. اهداف توسعه کشاورزی سبز و توسعه کشاورزی پایدار دقیقا مترادف با "اقتصاد دانش بنیان"<sup>۸</sup> است. این دانش می تواند توسط سیستم های پشتیبانی تصمیم گیری در زمینه های مختلف اقتصادی برای ایجاد ارزش افزوده استفاده شود (آمیدون و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۰۵). اصطلاح اقتصاد دانش بنیان اولین بار توسط دراکر<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۱) برای عنوان فصل ۱۲ کتاب عصر ناپیوستگی مطرح شد.

"تولید، چه در عرصه صنعت، چه در عرصه کشاورزی، از اهمیت درجه اول برخوردار است. کشوری که تولید نداشته باشد، خواهی نخواهی وابسته است. اگر همه نفت و گاز دنیا هم زیر زمین های ما و در چاه های ما ذخیره شده باشد، به دردمان نمی خورد؛ کما اینکه می بینید کشورهایی وجود دارند که از لحاظ ذخائر معدنی و طبیعی - چه ذخائر فلزهای بسیار ذی قیمت و کمیاب - در کمال ثروتمندی هستند؛ اما خودشان بر روی این زمینی که زیرش این همه گنج خفته است، زندگی نکبت بار و فلاکت باری دارند. باید تولید در کشور -

<sup>۶</sup> Rivera

<sup>۷</sup> Knowledge-based Agriculture

<sup>۸</sup> Knowledge economy

<sup>۹</sup> طبق تعریف سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، اقتصاد دانش بنیان، اقتصادی است که بر اساس "تولید و توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات" شکل گرفته و سطح بالایی از سرمایه گذاری در آن به "ابداع" و "نوآوری" اختصاص می یابد و فناوری های کسب شده با شدت بالایی مصرف می شوند و نیروی کار از تحصیلات عالی برخوردار است. از این رو، در حال حاضر، استراتژی کشاورزی ایران باید مبتنی بر بهبود و ارتقای علمی و تکنولوژیکی در بخش کشاورزی باشد؛ به عبارت دیگر، توسعه کشاورزی مبتنی بر دانش (گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۲۰۰۵).

<sup>۱۰</sup> Amidon et al.

<sup>۱۱</sup> Drucker



بخصوص تولید دانش بنیان، متکی به دانش و مهارت‌های علمی و تجربی- پیش برود؛ این بدست کارگر و کارفرماست. مدیریت آن هم با دولت است؛ بایستی سازماندهی کنند، کار کنند". (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹)

بخش کشاورزی در تحکیم پایه‌های اقتصادی کشورهای در حال توسعه، دارای نقشی قابل توجه است. از آنجا که بخش کشاورزی از نظر تامین نیازهای غذایی مردم، تامین مواد اولیه صنایع، اشتغال افراد و ایجاد درآمد اهمیت دارد، ثبات و استمرار رشد بخش کشاورزی از عوامل اصلی در ثبات اجتماعی و رشد اقتصادی محسوب می‌شود (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۸). از سوی دیگر، به دلیل اهمیت و نقش کشاورزی در ایجاد امنیت در سطح ملی و محلی و ایجاد فرصت‌های شغلی و درآمدی، به عنوان حرفه اصلی جوامع روستایی به شمار می‌رود؛ از این رو، توجه به ارتقای بهره‌وری و میزان بازده در واحد سطح و در نهایت توسعه کشاورزی به منظور تحقق توسعه اقتصادی ضروری است (اسکندری و دین‌پناه، ۱۳۸۲).

### ۳- جایگاه و اهمیت بخش کشاورزی در اقتصاد کشور

بخش کشاورزی به عنوان یکی از مهمترین بخش‌ها در فرآیند توسعه، همواره وضعیت و موقعیت ویژه‌ای در اقتصاد جهانی داشته است. کاهش نسبی سهم کشاورزی در طول دهه‌های گذشته، معمولاً منجر به این اعتقاد شده است که بخش کشاورزی می‌تواند به نفع دیگر بخش‌های اقتصادی که از رشد بالاتری برخوردارند، نادیده گرفته شود، در حالیکه، برخلاف این عقیده، به منظور تسریع در گذار اقتصادی باید تولید و فعالیت در بخش کشاورزی تشویق و ترغیب شود.

سهم کشاورزی در اشتغال، تولید ناخالص داخلی و صادرات و تغییرات آن در توسعه اقتصادی ایران، بیانگر درجه وابستگی اقتصاد کشور به کشاورزی و وضعیت جاری بخش کشاورزی است. حدود ۵۰ سال قبل، وقتی بخش نفت به صورت قابل ملاحظه توسعه نیافته بود و درآمد نفت به اندازه درآمد فعلی نبود، ایران به عنوان کشوری با پایه کشاورزی در نظر گرفته می‌شد و اقتصاد ایران تا حد زیادی، وابسته به این بخش بود. علاوه بر تأمین تقاضای مواد غذایی و محصولات کشاورزی در نواحی شهری، خزانه ملی نیز از طریق صادرات محصولات کشاورزی درآمد کسب می‌کرد و از آنجایی که، تراز بازرگانی بخش کشاورزی مثبت بود، این بخش در توسعه اقتصادی نقش مهمی بازی می‌کرد. رشد بخش‌های صنعت و خدمات، بویژه بخش ساختمان در طول برنامه‌های توسعه و معاملات افزایش یافته به زیان بخش کشاورزی، منجر به ایجاد شکاف بین درآمد روستائی و شهری و مهاجرت نیروی کار از روستاها شد.

مطالعات در کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که همراه با رشد و توسعه، سهم بخش کشاورزی در اشتغال و تولید ناخالص داخلی کاهش یافته است و در فرآیند توسعه، صنعت نقش یک رهبر را بازی کرده است و نقش کشاورزی کاهش یافته است. این پدیده، بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران را به سمتی هدایت کرده است که سیاست‌های ضدکشاورزی را اتخاذ کنند و منابع قابل سرمایه‌گذاری کشور را در صنعت و بخش عمومی به مصرف برسانند. به هر حال، با توجه به اهمیت و اندازه نسبتاً بزرگ بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه و فقیر، حداقل در مراحل اولیه رشد و توسعه؛ سرمایه لازم برای صنعت باید دقیقاً مانند کشورهای توسعه یافته بوسیله بخش کشاورزی ارائه شود.

گذشته از این موارد، کشاورزی، پیش شرط و لازمه توسعه اقتصادی یک کشور است و همچنین می‌تواند به عنوان بزرگترین و مطمئن ترین هدایت کننده ساختار اجتماعی در یک کشور نقش ایفا کند. متأسفانه با توجه به برخی دلایل، از قابلیت‌ها و پتانسیل‌های این بخش هنوز به طور کامل استفاده نشده است. کشاورزی پایه اقتصاد ایران است و در حالتی که فعال شود می‌تواند منجر به یک تحول بزرگ و اساسی در سیستم اجتماعی و منشأ توسعه پایدار در روابط اقتصادی- اجتماعی کشور شود. در ارتباط با اشتغال، تولید محصولات کشاورزی و دامی، غذای مورد نیاز کشور و کاهش وابستگی به ارز خارجی، بخش کشاورزی دارای اهمیت ویژه در مقایسه با دیگر بخش

های اقتصادی است. علاوه بر این، شیوه زندگی مردم روستایی در ایران مبتنی بر کشاورزی و صنایع وابسته به آن است. علیرغم اهمیت این بخش و سهم در حال نزول آن در تولید ناخالص داخلی، کشاورزی هنوز جایگاه خود را به عنوان یک نهاده مهم برای اقتصاد ملی و معیشت روستایی در ایران حفظ کرده است. (ستادز و همکاران<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۸). همچنین، بخش کشاورزی، تقاضا برای محصولات صنایع سبک و سنگین ایجاد می کند و مواد خام صنعتی و نیروی کار را برای توسعه صنعتی فراهم می کند. از طرفی، کشاورزی بزرگترین بخش از اقتصاد ایران است که سهم بزرگی از صادرات غیرنفتی را در بر می گیرد. همچنین بخش کشاورزی مسئول بخش اعظمی از اشتغال جمعیت در کشور است. از این رو، رشد این بخش تا حد زیادی تعیین کننده رشد اقتصادی است.

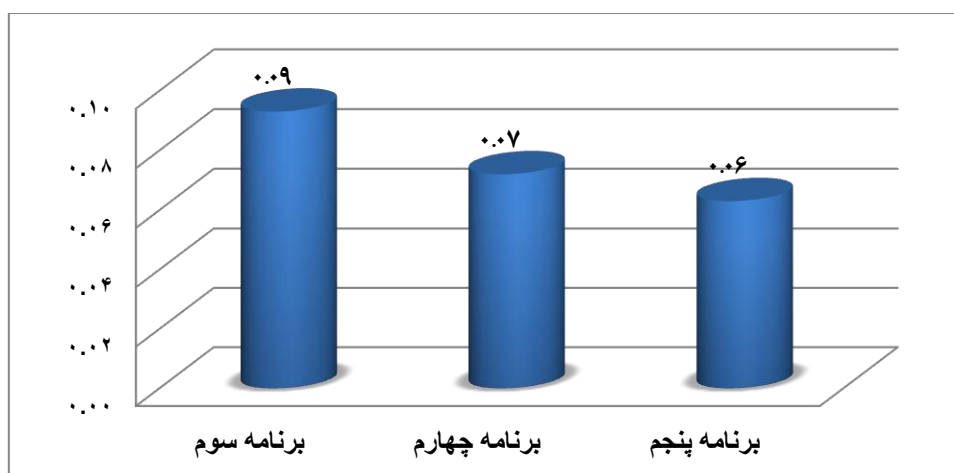
#### ۴- وضعیت کنونی بخش کشاورزی

##### ۴-۱- بررسی وضعیت ارزش افزوده و رشد بخش کشاورزی

آمار و اطلاعات جدید، با تغییر سال پایه محاسبات حسابهای ملی از سال ۱۳۷۶ به سال ۱۳۸۳ بیانگر افت نزدیک به ۱۰۰ درصدی جایگاه بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی است. در شرایطی که سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی براساس اطلاعات قبلی حدود ۱۴ درصد بود، تغییر سال پایه به افت شدید سهم بخش کشاورزی منجر شده است.

سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص ملی از برنامه سوم تا پنجم همواره در حال کاهش بوده است و این سهم از ۹/۲ درصد در برنامه سوم به ۷/۲ درصد در برنامه چهارم و ۶/۳ درصد در برنامه پنجم کاهش یافته است (بانک مرکزی، ۱۳۹۵). با توجه به اطلاعاتی که در نمودار ۱، ترسیم شده است؛ به دلیل مشکلات اقتصادی کشور بعد از گسترش و تشدید تحریم، رشد بخش کشاورزی در برنامه پنجم به نسبت برنامه چهارم کاهش یافته است.

نمودار ۱: سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص ملی به قیمت ثابت در برنامه سوم تا پنجم توسعه



مأخذ: بانک مرکزی ایران.

<sup>۱۲</sup> Stads et al.



دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران  
۱۱ اسفند ۱۳۹۵

## دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران یازدهم اسفندماه ۱۳۹۵



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
دانشگاه شهید باهنر اهواز

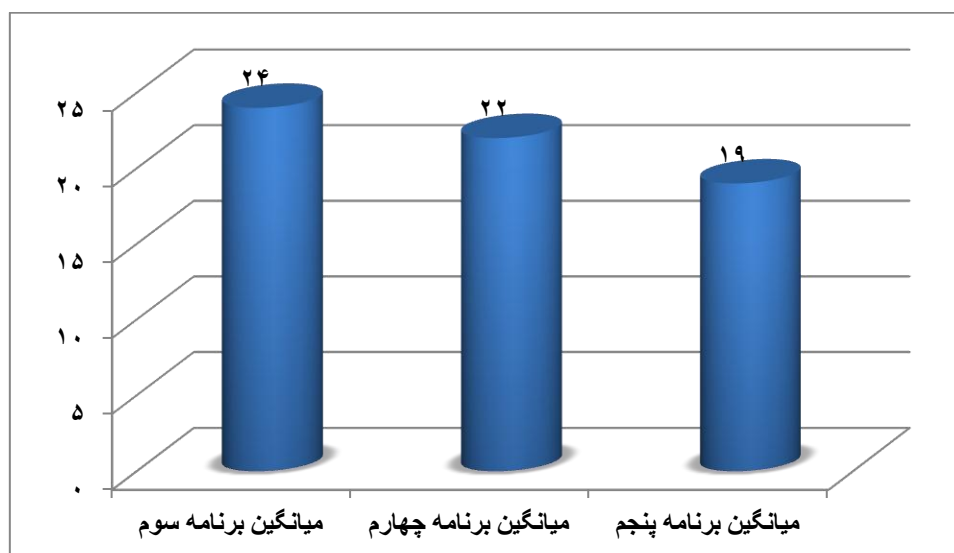
به طور کلی دو نکته اساسی در زمینه ارزش افزوده و رشد این شاخص در برنامه‌های توسعه قابل توجه است. نخستین نکته فاصله گرفتن بخش کشاورزی از روند بلندمدت رشد خود است. بعد از سال ۱۳۸۷ و بروز خشکسالی در بخش کشاورزی و متعاقب آن گسترش و تشدید تحریم‌های هسته‌ای بخش کشاورزی تا سال ۱۳۹۲ همواره دارای شکاف منفی تولید بوده است و ضرورت دارد افت ظرفیت تولیدی این بخش که رابطه تنگاتنگی با امنیت غذایی جامعه دارد جدی گرفته شود. نکته دوم نیز افت سهم این بخش از تولید ناخالص داخلی در حسابهای ملی بانک مرکزی با تغییر سال پایه است. از آنجا که یکی از مبانی استدلالی بخش کشاورزی برای جذب سرمایه گذاری (به ویژه سرمایه دولتی) توجه به سهم و جایگاه آن در اقتصاد ملی است، افت دفعی سهم این بخش به صرف تغییر سال پایه محاسبات آماری باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

در کنار وضعیت رشد بخش کشاورزی، وضعیت شاخصهای مهمی نظیر اشتغال و سرمایه‌گذاری به‌عنوان عوامل مهم در رشد این بخش حائز اهمیت است که در ادامه، وضعیت این دو شاخص دارای ارتباط قوی با رشد این بخش بررسی شده است.

### ۲-۴- بررسی وضعیت اشتغال در بخش کشاورزی

بر اساس اطلاعات منتشر شده بانک مرکزی و مرکز آمار ایران در نمودار ۲، سهم بخش کشاورزی در زمینه تأمین اشتغال طی برنامه‌های توسعه مورد بررسی به تدریج کاهش یافته است. روند شاغلان بخش کشاورزی و سهم آنها در اشتغال کل کشور بیانگر این است که روند و سهم اشتغال بخش کشاورزی نوسانی و دارای روند نزولی است. این سهم در برنامه سوم توسعه در حداکثر میزان خود و حدود ۲۴ درصد بوده است که در برنامه چهارم توسعه به ۲۲ درصد کاهش یافته است. در برنامه پنجم توسعه سهم اشتغال بخش کشاورزی با ۱۹ درصد کاهش نسبت به برنامه چهارم به ۱۹ درصد کاهش یافته است.

نمودار ۲: سهم بخش کشاورزی در اشتغال (درصد)



مأخذ: بانک مرکزی ایران.

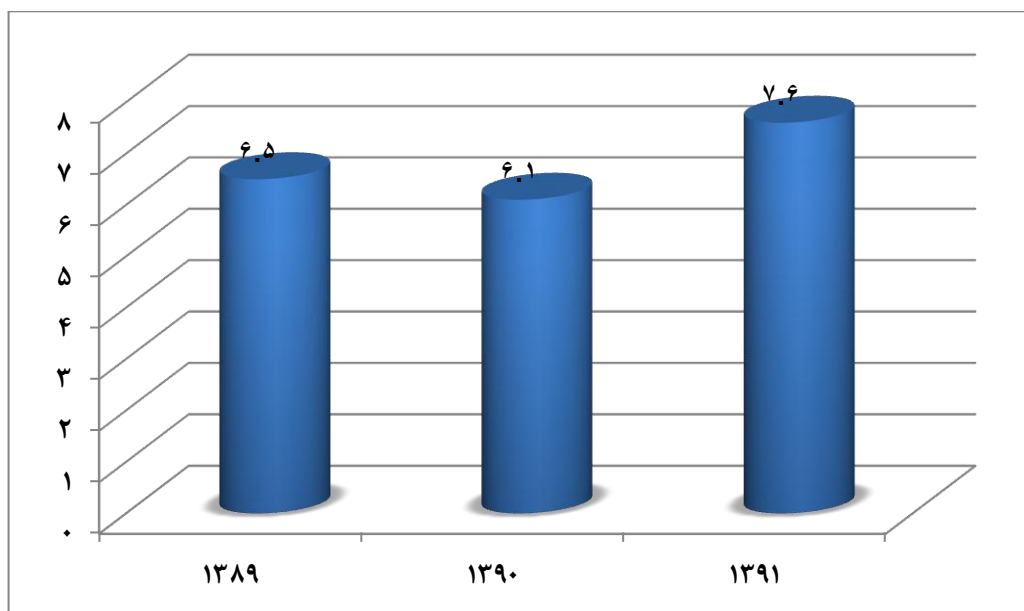


بخش کشاورزی سابقه طولانی در نقش آفرینی به عنوان موتور توسعه در کشورهای گوناگون، اعم از توسعه یافته و در حال توسعه دارد، ولی آنچه مسلم است بنا به دلایل فراوان، این نقش بطور بالقوه در کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار، به ویژه ایران، بسیار مؤثرتر می شود.

#### ۳-۴- وضعیت تولید داخلی بخش کشاورزی

با توجه به ضعف ساختاری بخش کشاورزی در کشور و محدودیت‌هایی مانند کمبود منابع آبی کشور، سیاست مشخصی در خصوص تأمین نیاز کشور به کالاهای اساسی از طریق تولید داخلی وجود ندارد و سیاست واردات و ذخیره‌سازی همچنان دنبال می‌شود. شایان توجه است که این امر در بلندمدت می‌تواند منجر به وابستگی تأمین غذای جامعه به خارج و تضعیف امنیت غذایی در کشور شود. براساس اطلاعات منتشر شده بانک مرکزی ایران در نمودار ۳، سهم درآمد بخش کشاورزی در مقایسه با درآمد ناخالص ملی در سالهای مختلف ارائه شده است.

نمودار ۳: سهم درآمد بخش کشاورزی از درآمد ناخالص ملی (درصد)



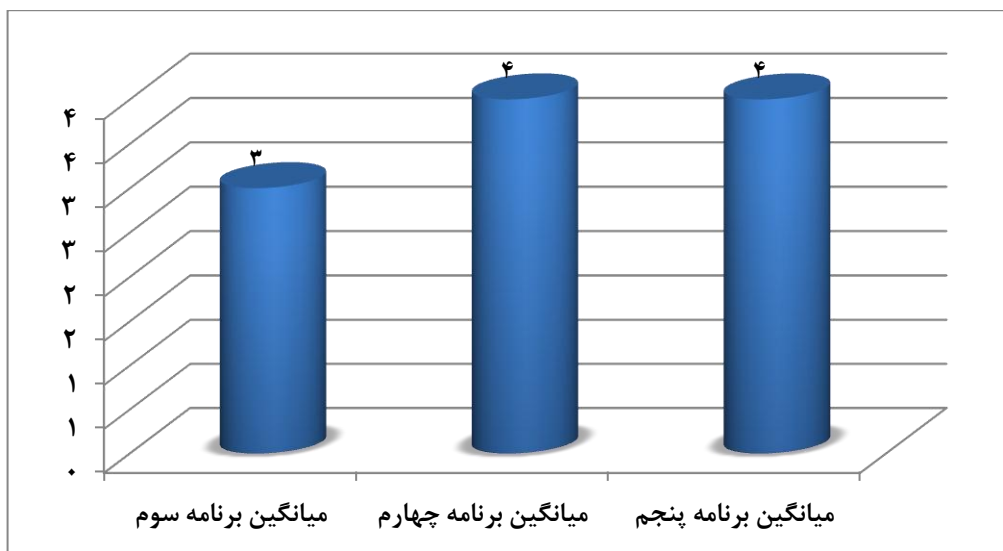
مأخذ: بانک مرکزی ایران.

#### ۴-۴- موجودی سرمایه و سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی

سرمایه یکی از مهمترین نهاده‌های تولید به شمار می‌آید. این نهاده نقش بسزایی در افزایش سطح تولید فعالیت‌های اقتصادی و در نتیجه افزایش بهره‌وری سایر عوامل تولید دارد. در بخش کشاورزی نیز سرمایه و سرمایه‌گذاری عنصر کلیدی رشد و توسعه محسوب می‌شود (وضعیت موجودی سرمایه بخش کشاورزی به‌گونه‌ای است که این بخش همواره سهمی اندک از موجودی کل سرمایه‌گذاری در کشور را به خود اختصاص داده است و با اثرگذاری تحریم‌های هسته‌ای سرمایه‌گذاری در این بخش افت کرده است. با توجه به داده‌های ترسیم شده در نمودار ۴، سهم موجودی سرمایه در بخش کشاورزی در برنامه سوم توسعه ۳ درصد بوده است؛ پس از آن، موجودی سرمایه این بخش به روند افزایشی خود ادامه داده و در برنامه چهارم توسعه سهم آن در موجودی سرمایه کل کشور به ۴ درصد افزایش یافته است. با این حال، سهم سرمایه بخش کشاورزی در برنامه پنجم نسبت به برنامه چهارم بدون تغییر مانده است.



نمودار ۴: تغییرات موجودی سرمایه بخش کشاورزی در برنامه‌های سوم تا پنجم (درصد)



مأخذ: بانک مرکزی ایران.

#### ۴-۵- وضعیت تجارت محصولات کشاورزی

وضعیت تجارت کشاورزی و مواد غذایی در ایران طی برنامه‌های سوم تا پنجم نشان می‌دهد که صادرات کشاورزی با روند بسیار کندی در ۱۴ ساله اخیر رشد نموده است، اما واردات محصولات کشاورزی روندهای متفاوتی را در برنامه‌های توسعه طی کرده است.

کاهش مستمر تولید داخلی، عدم اجرای قوانین مصوب و ناهماهنگی سیاستهای تولیدی و تجاری باعث گردید در برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) واردات این محصولات بیش از ۲ برابر افزایش یافته و به فراتر از ۱۸ میلیون تن در سال ۱۳۸۸ برسد. در سالهای برنامه پنجم مشکل تحریمها و مبادلات بانکی و حمل و نقل بر سیاستگذاریهای نامناسب اضافه شد و واردات محصولات کشاورزی به منظور غلبه بر ریسک کمبود ذخایر استراتژیک به دلیل کاهش تولید داخل به فراتر از ۲۲/۵ میلیون تن در سال ۱۳۹۳ افزایش یافت. تحولات صادرات و واردات محصولات کشاورزی در مجموع منجر به این شد که تراز تجاری این محصولات در طول سه برنامه توسعه همواره منفی باشد. اگرچه تراز منفی واردات کشاورزی و مواد غذایی روندی نوسانی داشته، اما این تراز در طول برنامه‌های یاد شده همواره منفی بوده است.

ارزش تجارت کشاورزی نیز شرایطی تقریباً مشابه مقدار تجارت را در طی سه برنامه توسعه مورد اشاره طی کرده است. به واسطه افزایش قیمت واردات کشاورزی، ارزش واردات کشاورزی در طول سه برنامه توسعه با نوساناتی روندی افزایشی را طی کرده است.

#### ۴-۶- وضعیت رابطه مبادله در بخش کشاورزی

رابطه مبادله بخش کشاورزی با بخش خدمات در برنامه سوم توسعه روندی کاهنده داشته است و نسبت قیمت دریافتی تولیدکنندگان بخش کشاورزی به نسبت ارائهکنندگان خدمات پیوسته در حال کاهش بوده است. رابطه مبادله بخش کشاورزی با بخش خدمات متأثر از سیاستهای بخش کشاورزی (کنترل و سرکوب قیمتها) و سیاستهای کلان کشوری (سیاستهای ارزی و تجاری) در طی برنامه سوم توسعه





دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران  
۱۱ اسفند ۱۳۹۵

## دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران یازدهم اسفندماه ۱۳۹۵



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
دانشگاه شهید بهشتی

به زبان تولیدکنندگان بخش کشاورزی تغییر یافته است. چنین تغییری در واقع به معنای کاهش انگیزه قیمتی و سودآوری سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی است.

اما از ابتدای برنامه چهارم توسعه مسیر رابطه مبادله بخش کشاورزی به بخش خدمات تغییر یافته است. در سال ۱۳۸۷ به دنبال بروز خشکسالی در داخل کشور از یکسو و بحران جهانی و افزایش قیمت مواد غذایی در سطح جهان ازسوی دیگر رابطه مبادله این دو بخش به نفع بخش کشاورزی تغییر یافته است. رابطه مبادله مثبت به نفع بخش کشاورزی در سالهای اخیر نیز به دلیل فشارهای وارده از ناحیه تحریم و سخت و گران شدن واردات مواد غذایی به نفع بخش کشاورزی است. بر این اساس در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه رابطه مبادله بخش کشاورزی و خدمات به نفع بخش کشاورزی بوده است.

اما رابطه مبادله بخش کشاورزی و بخش صنعت بجز برخی سالها، در بقیه سالهای برنامه‌های توسعه سوم تا پنجم توسعه، همواره به نفع بخش صنعت بوده است. در واقع اثر سیاستهای بخشی و کلان‌کشوری قیمت‌دریافتی بالاتر فعالیت‌های صنعتی به نسبت تولید در بخش کشاورزی منجر شده است و تولیدکنندگان بخش کشاورزی قیمت کمتری از تولیدکنندگان صنعتی دریافت کرده‌اند.

### ۵- مشکلات و چالش‌های اساسی بخش کشاورزی

روند شاخصهای کلان بخش کشاورزی در سه برنامه اخیر توسعه نشان می‌دهد، رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی اگرچه روندی افزایشی داشته است، اما به دنبال تحولات کلان اقتصادی کشور در سالهای اخیر (تحریم‌های شدید هسته‌ای) رشد ارزش افزوده این بخش از روند بلندمدت خود فاصله گرفته است و بخش کشاورزی دچار کندی رشد شده است. وضعیت شاخص‌های اشتغال و سرمایه‌گذاری نیز بیانگر افت شدید سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی در سالهای اخیر و کاهش ظرفیت تولید آن در بلندمدت در صورت عدم جبران سرمایه، از دست رفته است، ضمن اینکه سهم و مطلق شاغلان بخش کشاورزی نیز روندی کاهنده داشته است. اگرچه کاهش سهم شاغلان بخش کشاورزی در اشتغال کل در فرآیند توسعه امکانپذیر است، اما کاهش تعداد مطلق شاغلان این بخش بیانگر عدم اشتغال-زایی و خروج نیروی کار و رشد بیکاری در این بخش است.

شاخص‌های تجاری بخش کشاورزی نیز نشان می‌دهد با وجود رشد کند صادرات محصولات کشاورزی و مواد غذایی، واردات این کالاها به سرعت رشد کرده و این بخش در طول سه برنامه اخیر توسعه هیچگاه نتوانسته است تراز منفی تجاری خود را اصلاح کند.

رابطه مبادله بخش کشاورزی با بخشهای صنعت و خدمات، روندی نوسانی داشته است و در سالهای اخیر رابطه مبادله بخش کشاورزی و خدمات به نفع بخش کشاورزی و رابطه مبادله بخش کشاورزی و صنعت به زیان بخش کشاورزی تغییر یافته است. بی‌ثباتی رابطه مبادله بخش کشاورزی اثر منفی بر تولید در بخش کشاورزی دارد. ضمن اینکه حاشیه‌های بالای عمده‌فروشی و خرده‌فروشی به انتقال تشدیدشونده قیمت‌های کشاورزی به مصرف‌کنندگان و کاهش قابلیت رقابتی آن منجر خواهد شد.

### ۶- جمع‌بندی

بخش کشاورزی به عنوان یکی از بخش‌های مهم در فرآیند توسعه، همواره دارای جایگاهی منحصربه‌فرد در اقتصاد جهان بوده است، بویژه بعد از شوک‌های نفتی در دهه ۱۹۷۰ که منجر به رکود عمیق اقتصادی در غرب شد؛ بخش کشاورزی و محصولات کشاورزی به عنوان یکی از عوامل مهم در توسعه اقتصادی مورد توجه واقع شد، طوری که در طی دهه ۱۹۸۰، رابطه بین نقش توسعه‌ای کشاورزی و رشد اقتصادی توسط تعداد زیادی از تحلیل‌گران اقتصادی مد نظر قرار گرفت.



پیشرفت علمی و تکنولوژیکی در کشاورزی در قرن جدید، از عوامل کلیدی تعیین کننده بقای بشر است. با ظهور عصر اقتصاد دانش- بنیان، توسعه اقتصاد کشاورزی بر پایه دستیابی کشاورزان به دانش روز و کسب مهارت در فرآیند مدیریت تولید، تحقق خواهد یافت. جوهره اقتصاد دانش بنیان، نوآوری است و فرآیند اقتصاد کشاورزی دانش بنیان، ایجاد و بهبود سیستم نوآوری دانش کشاورزی است. سیستم نوآوری کشاورزی باید شامل سیستم مدیریت مالی کشاورزی، سیستم آموزش و ترویج کشاورزی، سیستم خدمات اطلاعات نوآوری کشاورزی و سیستم عرضه و تقاضا منابع نوآوری های کشاورزی باشد. ایجاد این سیستم ها باعث تسهیل در تخصیص عقلایی منابع کشاورزی می شود، باعث هماهنگی تحقیق و توسعه درباره محصولات کشاورزی با توسعه اقتصادی و اجتماعی و نیز باعث امکان رقابت- پذیری کشاورزی در بازار جهانی می شود. همراه با اقتصاد دانش و صنعتی شدن کشاورزی با تکنولوژی بالا، قیمت تولیدات و خدمات کشاورزی کاهش می یابد، در حالی که کیفیت محصولات کشاورزی دائما در حال افزایش خواهد بود.

از آنجایی که ایران دارای پتانسیل جغرافیای بالقوه و تنوع زیستی و اقلیمی منحصر به فرد و وسیع است، بخش کشاورزی می تواند نقشی تعیین کننده و معنی دار در توسعه اقتصادی داشته باشد. نتایج تحقیق حاضر نیز به وضوح این مهم را تایید می کند. در حال حاضر، تاثیر و اهمیت کشاورزی در اقتصاد بر هیچ کسی پوشیده نیست و نیاز به بخش های اقتصادی متنوع یک حقیقت است که اگر سیاستگذار نسبت به آن بی توجه باشد، می تواند هزینه های هنگفت و بعضا جبران ناپذیر برای فرآیند توسعه اقتصادی کشور داشته باشد. پذیرش و اهمیت بخش کشاورزی در وضعیت جاری و آینده اقتصاد کشور و نیاز فوری به درآمدهای ارزی ناشی از صادرات محصولات کشاورزی و استفاده از تولیدات این بخش برای مصارف داخلی ضرورت جدی توجه به بخش کشاورزی را آشکار می سازد؛ همچنین، دستیابی به توسعه پایدار، به تولید و استفاده از منابع در کنار سایر عوامل از قبیل تکنولوژی، منابع انسانی و منابع مالی بستگی دارد.

## ۷- پیشنهادها

۱. استراتژی توسعه و رشد بخش کشاورزی، عرضه مواد غذایی ارزان را افزایش می دهد و نیز تقاضا برای نیروی کار افزایش می یابد، این دو عامل برای ریشه کن ساختن فقر از طریق رشد اقتصادی ضروری است. از این رو لازم است دولت برای ریشه کن ساختن فقر در راستای یکی از اهداف اقتصاد مقاومتی پذیرش و اتخاذ این استراتژی توسعه را در اولویت قرار دهد.
۲. رشد جمعیت، نیاز بخش های مختلف اقتصادی برای تولیدات بخش کشاورزی، ایجاد شغل و امکان کسب درآمدهای ارزی از یک طرف و ظرفیت قابل توجه برای افزایش محصولات کشاورزی بدلیل وجود تنوع شرایط آب و هوایی، دسترسی به دریا، زمینهای حاصلخیز، مراتع، جنگلها و نیروی کار آماده برای فعالیت روی زمین های کشاورزی، لزوم توجه هرچه بیشتر به توسعه بخش کشاورزی در ایران را ضروری می سازد.
۳. نقش دولت در کشاورزی دانش بنیان و استراتژی کشاورزی اشتغال محور حیاتی و اساسی است. زیرا بخش کشاورزی یک بخش کوچک مقیاس است و دولت باید سرمایه گذاری بیشتری در حمایت از این بخش انجام دهد؛ همچنین در راستای اهداف اقتصاد مقاومتی و اجرای کامل سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی در راستای آزاد سازی و خصوصی سازی، فعالیت هایی از قبیل بازاریابی باید توسط بخش خصوصی به انجام برسد.



دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران  
۱۱ اسفند ۱۳۹۵

## دومین همایش ملی اقتصاد کلان ایران یازدهم اسفندماه ۱۳۹۵



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
دانشگاه شهید باهنر

۴. با مطالعه جنبه‌های نظری و عملی وضعیت بخش کشاورزی در مراحل مختلف توسعه اقتصادی کشور، مشخص می‌شود که بخش کشاورزی بدلیل اهمیت آن در تولید ناخالص داخلی، اشتغال، امنیت غذایی و استقلال سیاسی کشور، نباید هیچوقت مورد کم توجهی قرار گیرد و هرگونه طرح اصلاحات اقتصادی در راستای برآورد اهداف اقتصاد مقاومتی، بدون توجه به بخش کشاورزی دارای تاثیر و کارکرد لازم نخواهد بود.
۵. به منظور تحقق اهداف رشد اقتصادی و توسعه کشور در راستای اقتصاد مقاومتی، باید زمینه برای توسعه داخلی آماده باشد و از طریق تاکید بر توسعه روستایی، موقعیت بخش کشاورزی در این زمینه باید تعیین شود. صرفا از طریق چنین معیارهای اساسی است که موقعیت بهینه و تعامل پویا و مؤثر بین بخش‌های خدمات، کشاورزی و صنعت تعیین و قابل دستیابی خواهد شد.
۶. فرآیند و پروسه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایران بطور کلی نامناسب است. حمایت برای این بخش در مقایسه با کشورهای پیشرفته و برخی کشورهای در حال توسعه، بایسته و درخور نیست. از این رو توصیه می‌شود با سرمایه‌گذاری لازم در جاده‌ها، سیستم حمل و نقل، برق، ارتباطات راه دور و مخابرات زمینه برای دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی در حوزه رشد و توسعه کشاورزی فراهم شود.
۷. به طور کل باید دقت کرد که بخش کشاورزی به دلیل اهمیت امنیت غذایی، از جمله مسائل مهم در اقتصاد مقاومتی است. جهت تضمین و توجه به این موضوع نیز دولت نقشی اساسی و تعیین کننده به ویژه در فراهم کردن زیرساخت های لازم دارد. نیاز به وجود زیرساخت‌های خدماتی کشاورزی که شامل امکانات و تسهیلات بازاریابی، هزینه‌های حمل‌ونقل، دستیابی به جاده‌ها و راهها، مشوق‌های قیمتی سازمان‌های اعتباری، سیاست‌های توسعه مناسب، احیا و آبادانی مناطق خشک و غیرحاصلخیز است؛ باید توسط دولت و سازمان‌های دولتی و خصوصی ارائه می‌شود.
۸. سرمایه‌گذاری در کشاورزی، کلید توسعه اقتصادی، بویژه در کشورهای در حال توسعه است. بنابراین، در حال حاضر، دولت باید نگاه جدیدی به کشاورزان بویژه کشاورزان خرده‌پا داشته باشد و آنها را به ابزارهایی تجهیز کند که بتوانند موجب ارتقای بهره‌وری کشاورزی پایدار شوند.
۹. مسئله تخصیص مناسب برای بهبود توسعه کشاورزی حیاتی است و از طریق تبدیل کشاورزان معیشتی به کارآفرینان در مقیاس کوچک، فقر و گرسنگی روستایی، کاهش خواهد یافت. این امر باید از طریق انجام انبوهی از اقدامات صورت گیرد، اقداماتی از قبیل: ایجاد مشوق برای بازرگانان برای همکاری بیشتر با کشاورزان خرده‌پا (فروش نهاده‌ها و محصولات)، معیارهایی برای تشویق جوانان برای ماندن در مناطق روستائی و راه‌اندازی یک کسب و کار کشاورزی، برنامه‌های ویژه برای شناسایی سهم و نقش حیاتی زنان در کسب و کارهای کشاورزی، حمایت اقدامات مقامات محلی (خدمات زیر ساخت)، ایجاد تسهیلات برای سازمان‌های مردم نهاد (NGOs)، افزایش اعتبار برای تحقیق و گسترش خدمات کشاورز محور، توسعه فرآیند فرآوری و ذخیره‌سازی ارزش افزوده بخش کشاورزی به منظور کاهش ضایعات محصول بعد از برداشت آن.
۱۰. اقتصاد دانش بنیان، یک اقتصاد با کارایی زیاد است، اقتصاد کشاورزی دانش بنیان، از یک طرف، کارایی تولیدی اقتصاد کشاورزی را در مقایسه با کشاورزی سنتی تا حد زیادی افزایش خواهد داد. اما از طرف دیگر، مازاد نیروی کار روستایی بوجود خواهد آمد. از این‌رو به منظور حفظ ثبات روستایی و اجتماعی، باید یک سیستم تأمین اجتماعی کشاورزی مناسب ایجاد شود که بتواند مازاد نیروی کار کشاورزی را ساماندهی دهد.



منابع:

۱. اسکندری، جمشید و دین پناه، غلامرضا، (۱۳۸۵). بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد انگیزه جهت اشتغال جوانان روستایی در فعالیت کشاورزی در استان اصفهان، مجله جهاد (ترویج کشاورزی و توسعه روستایی)، ۲۷۰، صص ۱۵۰-۱۶۱.
2. Rivera, W.M., 2006, Developing Agricultural Extension System Nationwide, Journal of extension system, p. 29-30
3. Gollin, D. (2010). Agricultural Productivity and Economic Growth, Handbook of Agricultural Economics, vol. 4, pp. 3825 – 3866
4. World Bank (1981). Accelerated Development in Sub-Saharan Africa: An Agenda for Action. International Bank for Reconstruction and Development / World Bank: Washington, USA.
5. World Bank (2008). World Development Report: Agriculture for Development. International Bank for Reconstruction and Development / World Bank: Washington, USA.
6. Self, S. & Grabowski, R. (2007). Economic Development and the Role of Agricultural Technology. Agricultural Economics, vol. 36(3), pp. 395 – 404.
7. Alston, J. M., & Pardey, P. G. (2014). Agriculture in the global economy. *The Journal of Economic Perspectives*, 28(1), 121-146.
8. Amidon, D. M., Formica, P., & Mercier-Laurent, E. (Eds.). (2005). *Knowledge economics: emerging principles, practices and policies*. Tartu, Estonia: Tartu University Press.
9. Drucker, P. F. (2011). *The age of discontinuity: Guidelines to our changing society*. Transaction Publishers.
10. Stads, G.J., Roozitalab, M.H., Beintema, N.M. & Aghajani, M. (2008): Agricultural research in Iran, policy, investments and institutional profile. International Food Policy Research Institute. pp.58
۱۱. افتخاری، عبدالرضا؛ پور طاهری، مهدی؛ فرج زاده، منوچهر و وکیل حیدری ساریان (۱۳۸۸)؛ نقش توانمندسازی در توسعه کشاورزی، مطالعه موردی: استان اردبیل؛ پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۹، صص ۱۰۳-۸۷.
۱۲. سایت بانک مرکزی ایران به نشانی [www.cbi.ir](http://www.cbi.ir)
۱۳. سایت مرکز آمار ایران به نشانی [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir)
۱۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگران نمونه کشور؛ ۱۳۸۹/۰۲/۰۸
۱۵. گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۲۰۰۵؛ آمیندا، ۲۰۰۵